بسم الله تعالی شأنه

چون رای مبارک نواب علیه عالیه دام مجدها العالی و شوکتها ابد محکم و ثابت
شد که در ضمن خیرات کثیره که منظور داشتند مدرسه زینت که بر مسجدی
مشتمل باشد بنا فرمایند که در او طلاب ساکن باشند و در این عباد معتکف
و از جمله خیرات امیر الامراء العظام الکبار ذی المجد و الشوکة و الاقتدار مرحوم
مغفور میر محمد قاسم خان والد ماجد نواب علیه عالیه اعلی الله قدره فی الجنان
مدرسه زینت که بر مسجدی مشتمل است باقی است و متصل بدر جنوبی عمارات
اندرانی سلطانی دار الخلافه قریب بدروازه بیرون شهر مشهور بدروازه
دولت واقع است و چند دکان نیز بجهت روشنائی مسجد و چراغ
طلاب وقف فرموده بودند لکن بجهت حوادثی که در مدتی طویل بر بنای
این مسجد و مدرسه وارد آمده بود بنیانش رو بانهدام نموده بود و
چنان مینمود که از جهت کوچکی و خرابی و سستی اساس و بنیان از حیز
انتفاع بیرون باشد لهذا رای نواب علیه عالیه قرار گرفت که بنیان تمام مسجد
و مدرسه را محکمتر و فضایش را وسیع‌تر و بنیانش را رفیعتر و موقوفاتش را فزون‌تر

فرمایند

فرمایند و زمینی متصل بمدرسه خریده مسجد و حجرات مدرسه را مطلوبتر
و مرغوبتر و محکمتر بسازند و از جهت آنکه این عزم بجزم مقرون‌تر باشد و بتعویق
نیفتد بصیغه نذر شرعی بر خود واجب فرمودند که در مدت دوازده سال
مبلغ شش هزار تومان صرف بنای مسجد و مدرسه و ما یتعلق بهما من الحوض و
المطبخ و المبال و غیرها من الضروریات مصروف دارند و مبلغ نه هزار تومان
بخریدن موقوفات مبذول فرمایند باین نحو که هر قدر از این مبلغ که در این
مدت موجود شود مختار باشند که جمله را صرف تمام بنای مدرسه و مطبخ
و مبال داخل مدرسه و مطبخ و مبالی که در خارج قریب بمدرسه بجهت
وسعت و بعضی جهات دیگر در صیغه نذر منظور داشتند که ساخته شود
بفرمایند یا آنکه قدری از آن مبلغ موجود را در تمام بنای مدرسه و متعلقات
مذکوره مصروف دارند و قدری دیگر را در خریدن موقوفات مبذول فرمایند
خواه از قبیل املاک باشد یا آنکه از لوازم طلاب و حجرات مانند فرش و
مس و غیرهما تعیین متولی مدرسه مذکوره و مسجد مذکور نموده و شخصا
نواب فلک جناب علیه عالیه تولیت مدرسه مذکوره را شخصا بنواب مستطاب
اشرف ارفع والا علیقلی میرزا ادام الله ظله مرحمت فرمودند و بعد از
آن نواب مستطاب تولیت را در حق امیرزاده کان از نسل آن نواب معلی القاب
مقرر فرمودند باین نهج که از ایشان بولد اکبر از اولاد ذکور منتقل شود
و بعد از ولد اکبر با میله صلاحیت از جهت علم کفایت یا اهمال در اعمال
و تدابیر متعلقه بمصالح و لوازم مدرسه مذکوره بهیچ که در ذکر خواهد یافت

بولد اصغر از او بلا واسطه منتقل شود و هم چنین بترتیب مذکور نسبا بر اولاد
ذکور انتقال یابد و در صورت انقراض اولاد ذکور یا عدم صلاحیت در جمیع
بکبرای اولاد اناث منتقل شود و ترتیبی که در ذکور ذکر یافت در اناث
نیز معتبر است اکبر در صورت وفات یا عدم صلاحیت بکوچکتر از او بلا واسطه
مفوض خواهد بود و همچنین و اگر در هیچیک از اولاد ذکور و اناث
صلاحیت نباشد ولد اکبر از ذکور سن تولیت متعین است ولیکن میباید
شخص امین معقول با کفایت را از جانب خود نایب نماید تا بامور مدرسه
اهتمام تمام داشته باشد و اجرت نیابت را از حق تولیت خود بدهد
والا بولد اصغر از او مفوض است بشرط مذکور و این ترتیب و شرط در اولاد
ذکور و بعد از ذکور در اناث معتبر است و بعد از طبقه اولی از نسل نواب
مستطاب بطبقه ثانیه و هم چنین الی ما شاء الله مفوض است و تقدیم طبقه
اولی بر ثانیه و ثانیه بر ثالثه و هم چنین الی ما شاء الله اگر چه در طبقه متقدمه
اناث باشد و در متأخره ذکور و ذکور در هر طبقه بر اناث و اکبر
بر اصغر و کبری بر صغری و صلاحیت و شرایط مذکوره در جمله طبقات
معتبر است و با عدم صلاحیت و عدم شرط مذکور در هر یک از طبقات
ویا العیاذ با تحقق انقراض نسل بفاضل عالم محترم قادر جامع المعقول
والمنقول عادل مقدس ساکن دار الخلافه طهران منتقل میشود و در صورت
تعدد فاضل مذکور تعیین احدهما موقوف است بتصدیق مدرس و
جمعی از ثقات طلاب در صورت فقدان مدرس و طلاب موقوف است بتصدیق

حاکم
شرع عادل نافذ الحکم مسلم دار الخلافه طهران و در صورت فقدان فاضل
مذکور در دار الخلافه بحاکم شرع مذکور منتقل میشود و در صورت
تعدد حاکم شرع مذکور تعیین و ترجیح بتصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب
موقوف است در صورت فقدان مدرس و طلاب موقوف است بتقدیم تصرف
و اقدام در مباشرت امور متعلقه بمدرسه مذکوره و اگر دار الخلافه را حاکم
شرع متصف بصفات مذکوره از عدالت و مسلمیت و نفوذ حکم خالی باشد
منتقل میشود بحاکم شرع بلد دیگر که موصوف بصفات مذکوره بوده باشد
و اگر در دو بلد حاکم شرع مذکور موجود باشد لکن یکی از آن دو بلد بدار
الخلافه نزدیکتر باشد حاکم شرع آن بلد متعین است و در صورت تعدد
حاکم شرع مذکور در یک بلد یا تساوی دو بلد نسبت بدار الخلافه در قرب
و بعد تعیین و ترجیح احدهما بر دیگری بتصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب
موقوف است و در صورت فقدان مدرس و طلاب بتقدم تصرف و مباشرت
منوط است و شرط است در بقای تولیت متولی اهتمام در امور مدرسه
مذکوره بقدر امکان عادة و عرفا و لازم نیست که خود مباشر امور باشد
بلکه جایز است که از جانب خود نایبی قرار دهد و از حق تولیت خود حق
نایب را برساند مشروط بانکه غیر مباشرت بنایب تفویض نشود و کلیه
امور و صحت و فساد اعمال او را خود رسیدگی نماید و در تولیت امور
مدرسه مذکوره تجزیه نیست بلکه متولی متولی است بر مدرسه و مسجد
و انچه بمدرسه متعلق است از کتب موقوفه و املاک موقوفه و اذن حجرات

وفاداراست بعزل و نصب خادم و خادم باشی و بر اخراج هر یک از طلاب که
متصف نباشند بصفاتی که در حق ایشان مذکور خواهد شد و بر تعیین مدرس
و ناظر و امام جماعت مسجد در صورتی که عمل ایشان بتصدیق جمعی از ثقات و
عدول طلاب با شرایطی که در حق ایشان مقرر است و مذکور خواهد شد مطابق
نباشد و الا بر منصب و شغل خود باقی خواهند بود و متولی میتواند که
در بعضی از املاک موقوفه تصرفی نماید که منفعتش بیشتر شود مثل انکه دکان
خراب کند و فضا بجای او حمام بسازد و بالعکس تعیین مدرس مدرسه
مذکوره شخصا و نوعا و شرایط متعلقه بتدریس نواب علیه عالیه دامت
شوکتها التدریس مدرسه مذکوره را شخصا بجناب فاضل علامه و بارع کامل فهامه
وحید الدهر و فرید العصر الجامع بین المعقول و المنقول و الحاوی للفروع
و الاصول علی بن المولی العلامه عبد الله المدرس طاب ثراه و جعل الجنة مثواه
رحمت فرموده اند و بعد از ایشان بفاضلی منتقل میشود که از عهده تدریس
کتب مشکله علم الهی و طبیعی از قبیل شفا و اشارات و افق المبین و قبسات
و اسفار و اسرار الآیات با کتبی دیگر که در اشکال نظیر اینها باشد بر آید
و از منقول نیز اطلاع فی الجمله داشته باشد و تعیین مدرس مادام الحیوة با
نواب علیه و بعد با متولی مدرسه مذکوره است و شرط است در مدرس
که در تدریس و رسیدگی طلاب و ترغیب ایشان در تحصیل علم کوتاهی
نکند و اهمال ننورزد و روزی سه درس معتبر با دقت در صورت وجود متعلم
مستعد بگوید و بقدر امکان عادی و عرفی تعطیل نکند مگر انکه مریض باشد

یا او را سفری

یا او را سفری شرعا یا عرفا لازم شود یا بزیارت یکی از عتبات متبرکه مشرف
شود و یا انکه در فصل تابستان بییلاق رود مشروط بانکه بیشتر از چهل
روز در ییلاق بنهج اتصال توقف نکند و مراجعت نموده بتدریس مشغول شود
و اگر بیشتر توقف کند از حق التدریس معادل ایام زایده مستحق نباشد
و اگر یکی از طلاب بصفات و شرایطی که در حق ایشان معتبر است متصف نباشند
متولی را واقف نماید تا در مقام اصلاح یا اخراج او بر آید تعیین ناظر مدرسه
مذکوره شخصا و نوعا و شرایط متعلقه بنظارت نواب علیه عالیه نظارت
مدرسه مذکوره را شخصا بعالیجناب فضایل مآب آخوند ملا حسین منجم
باشی مرحمت فرموده اند و بعد از ایشان نوعا بشخصی مفوض است که متولی
معین نماید و شرط است در بقای نظارت که بقدر امکان در ملاحظه
اموری که در باب موقوفات و مدرسه از متولی صادر شود اهمال ننورزد
و صحت و فساد تصرفات متولی را واقف باشد مشروط بانکه بدون جهت مصلحتی
شرعیه نسبت بحال مدرسه و موقوفات با متولی نزاع بر پا نکند و اگر خلافی میان
ایشان در صلاح و فساد امری واقع شود هر یک را که مدرس و عدول طلاب
تصدیق کنند قولش مقدم باشد و اگر مدرس و طلاب را در آن امر وقوف
و اطلاع نباشد بخبره آن امر رجوع کنند و بتصدیق خبره عمل نمایند تعیین
کتابدار و شرایط متعلقه ببقای این عمل و بکتب موقوفه کتابداری
مدرسه مذکوره را بعبد الوهاب بن الجانی علی محمد الاصفهانی مرحمت فرموده اند
و نوعا بشخصی مفوض است که از علم عاری نباشد و متولی مدرسه مذکوره

او را معین فرمایند و شرط است در او که کمال سعی و اهتمام را در حفظ کتب
موقوفه مرعی دارد و هر کتابی که بیکی از طلاب دهد قبض بگیرد و کتب موقوفه را
بخارج از طلاب مدرسه که موقوف علیهم باشند ندهد که از مدرسه بیرون
برد مگر باذن متولی و اطلاع مدرس و یا ناظر و در این صورت نیز اگر کتاب در
پیش آن شخص خارج تلف شود کتابدار باید از عهدهٔ ارش یا قیمت برآید
و اگر متولی کتابی بشخصی خارج دهد و یا آنکه بکتابدار بگوید که فلان
کتاب بفلان شخص بده و کتاب در پیش آن شخص تلف شود یا معیوب گردد
باید متولی از عهدهٔ قیمت یا ارش برآید و همچنین اگر مدرس یا ناظر بکتابدارت
کتاب اقدام کنند قیمت و ارش در عهدهٔ ایشانست و کتابدار را رجوعی نیست
و طلاب موقوف علیهم نیز کتب موقوفه را از مدرسه بیرون نبرند مگر بجهت
درس و مباحثه و مطالعه و در این صورت نیز از دو شبانه روز بیشتر در
خارج مدرسه نگاه ندارند مگر باذن متولی و اطلاع مدرس یا ناظر و بر متولی
و مدرس و ناظر لازم است که در هر شش ماه یکمرتبه با اطلاع چند کس از طلاب
کتب موقوفه را بازدید نمایند و اگر تعمیری در جلود کتب یا اوراق آنها
لازم باشد بزودی اقدام کرده تعمیر نمایند و از برای متولی جایز است که کتب
موقوفه را کلاً یا بعضاً با مصلحت شرعیه در خارج مدرسه نگاهدارد
و همچنین از برای مدرس جایز است که در خارج مدرسه بیشتر از دو
شبانه روز نگاهداشته باشد در صورتیکه محتاج باشد اگر چه در بعض
اوقات شبانه روز محتاج شود و شرط است نیز که طلاب کتب را معطل نگذارند

وبعد از

و بعد از رفع احتیاج بدیگری که محتاج باشد بدهند یعنی بکتابدار رد کنند
تا او بدیگری که محتاج است بدهد و در دست هر یک که تلف شود
قیمت یا ارش در عهدهٔ اوست **شرایط متعلقه بطلاب مدرسهٔ مذکوره**
توقف طلاب و سکونت ایشان منوط باذن متولی و تصدیق مدرس و ملاحظهٔ
ناظر است و شرط است در ایشان که بقدر امکان عادی در ایام تحصیل مشغول
باشند و کسالت نورزند و در شبانه روزی یک حزب کلام الله مجید تلاوت
نمایند و ثواب آنرا بروح الذین وقف تفویض نمایند و هر یک از ایشان که موجب
فسادی شود یا منشأ نزاعی از زمرهٔ موقوف علیهم خارج باشد و توقف او در مدرسه
باذن جدید محتاج بود و هر یکی از دو نفر که در یک حجره باشند لازم است
که بتسویه نمایند در صورتیکه برای او بحسب عادت آسان باشد و شرط است نیز
در ایشان که نسبت بمتولی و مدرس و ناظر طریق ادب را منظور دارند
و بمعاوده بمخاصمت و نزاع برنخیزند و الا از زمرهٔ موقوف علیهم خارج
باشند و توقفشان باذن جدید محتاج باشد مگر آنکه در مقام مطالبهٔ
حقی که دارند برآیند و در این صورت نیز باید و لا بمعقولیت و درستی حرکت
کنند و در حجرات بیشتر از دو نفر توقف نکنند و ساکن نشوند و کمتر از
دو نفر موقوف باذن است مگر مدرس که تنها و کسی نباید در حجرهٔ او ساکن
باشد و همچنین است چند حجرهٔ کوچک که توقف دو نفر در آنها ممکن نباشد
و جایز نیست که غیر از سه شبانه روز بیشتر در مدرسه توقف کند مگر
آنکه از اهل علم و تحصیل باشد و بقدر طلاب تحصیل کند و صاحب حجره

یا صاحب حجره بتوقف او راضی باشند و هریک از طلاب بیشتر از یک شاگرد
نگاه ندارند و حجره خود را معطل نگذارند مگر آنکه بعبادت او و اشغلی پیش
آید یا آنکه در فصل تابستان به ییلاق رود و در این صورت و صورت اولی
اگر بعد از چهل روز مراجعت نماید باذن جدید محتاج باشد و معین بنیت
بر طلاب بتحصیل علم مخصوص بلکه هریک از علوم متداوله از معقول و منقول
و توابع آنها که خواهند تحصیل نماید و متولی مختار است که وظایف
طلاب را باختلاف درجات ایشان تقسیم نماید و تعیین درجات ایشان
با مدرس است و هریک از ایشان که در این معنی یا تعیین درجه با متولی
یا مدرس نزاع کنند از جمله موقوف علیهم خارج گردند **تعیین امام جماعت**
مسجد مدرسه مذکوره و شرایط متعلقه بامامت امام جماعت
مدرسه مذکوره شخصی است که متولی تعیین نماید بعد از تصدیق مدرس
و تعدیل جمعی از ثقات طلاب و هر سه وقت را باید بمسجد حاضر شود
و بامامت جماعت قیام نماید مگر آنکه یکی از سه وقت برا و بحسب عادت
ممکن نباشد و عدد شوار باشد و مگر چهل روز از ایام تابستان که به ییلاق
رود و یا آنکه بزیارت یکی از اماکن مشرفه مشرف شود یا آنکه سفر
دیگر او را شغلی یا عرفا لازم باشد و حوض مدرسه و آب وقف است
بر کافه مؤمنین که در وضو و غسل و تطهیر بدن یا جامه استعمال کنند
تعیین خادم و خادم باشی و شرایط متعلقه بایشان و تشخیص مؤونت
از برای مدرسه دو نفر خادم و یکنفر خادم باشی مقرر فرموده اند یک نفر خادم

بجهت

بجهت خدمات مدرس و طلاب و یک نفر خادم باشی بجهت تحصیل منافع موقوفات
و بعضی از خدمات مدرس و طلاب و یکنفر خادم دیگر بجهت خدمات مدرس کلاً
مقرر فرموده اند و شرط است در خادم باشی که هر سه وقت در مدرسه
اذان بگوید مگر آنکه صبح را بر او عادة ممکن نباشد و شرط است نیز در دو
نفر خادم و یکنفر خادم باشی که در خدمات متعلقه بایشان کوتاهی نکنند
و برف صحن مدرسه را پاک کنند و حوض را پاک نموده آبش را تازه نمایند
و همچنین در امور دیگر که بایشان متعلق باشد **تعیین روضه خوان مسجد**
باید در تمام سال در شبهای جمعه و ده شب عاشورا شخصی را که متولی
و ناظر صلاح دانند معین نمایند که ذکر مصیبت جناب خامس آل عبا علیه
آلاف التحیة و الثناء نموده مؤمنین را که در مسجد حاضرند مستفیض
نمایند **تفصیل مصارف منافع موقوفات مدرسه مذکوره**
سهامی بتفصیل ذیل در منافع موقوفات مدرسه مذکوره مقرر داشته اند
باین نهج که بعد از جدا نمودن سهم متولی و مدرس و ناظر و کتابدار
و دو خادم و خادم باشی اگر سهمی که بجهت تعمیر مدرسه و املاک موقوفه
قرار داده اند وافی نباشد و مدرسه یا املاک موقوفه یا امور متعلقه
بمدرسه را تعمیر کلی لازم باشد تعمیر را بر سایر سهام مقدم دارند و اگر
چیزی بماند در باقی سهام صرف نمایند و اگر تعمیری بهیچ وجه لازم نباشد
یا آنکه سهم تعمیر زیاد آید از تعمیری که لازم باشد ورا در ازدیاد موقوفات
نافعه صرف نمایند و فرش حجرات و مسجد و حصیر و مرمت کتب و برف روبی

و پاک نمودن حوض و صبال و خریدن آب بجهت حوض داخل در سهم تعمیرات است
تقسیم سهام باید که متولی شرعی جمیع منافع موقوفات مسطوره را خواه
منافع یومیه باشد و خواه ماهیانه و خواه سالیانه بحیطهٔ ضبط خود در آورده
و از صد سهم قرار دهد موازی بیست سهم از آن جمله را بمخصوص خود
دارد و موازی هفت سهم و نیم از آن بمخصوص مدرس شرعی و موازی
هفت سهم و نیم از آن را بمخصوص ناظر شرعی و موازی سه سهم از آن را
بمخصوص امام جماعت مسجد مدرسه مزبوره و موازی دو سهم از آن را
بمخصوص کتابدار مدرسه مزبوره و موازی سی و شش سهم از آن را بمخصوص
طلاب علم که در مدرسه مزبوره تحصیل علم میکنند علی قدر طبقاتهم باید صرف
معاش و گذران ایشان شود و موازی سه سهم از بمخصوص خرید کتب
و استنساخ آنها دارند و موازی یک سهم از بمخصوص روشنائی مسجد
مزبور و ما یتعلق بها و موازی چهار سهم از بمخصوص ذکر مصیبت و اطعام
طلاب و فقرا که از شب اول محرم تا شب عاشورا باید صرف آنها نمایند و
موازی شانزده سهم از بعد از وضع اجرت سه نفر خادم و حق یکنفر روضه
خوان ما بقی را باید و کلا صرف تعمیر و فرش مسجد و حجرات مدرسه و بعد
آن نمایند و هرچه از آن فاضل آید از صرف نمای موقوفات نماید و اگر
از آن نیز فاضل آید هرچه را که متولی و ناظر مصلحت بینند از دکاکین و املاک
از آن ابتیاع نمایند و بنهج مسطور وقف مدرسه مزبوره نمایند فمن بدله بعد
ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم